

در باره تشکیل حزب جدید چه مصاحبه مهرنوش موسوی با محمد آسنگران

در باره تشکیل حزب جدید چه نظر محمد آسنگران را از حزب کمونیست کارگری ایران جویا شدم. سپاسگزارم از محمد که درخواست مرا پذیرفت. شما را دعوت به خواندن این مصاحبه می‌کنم. مهروش موسوی

دو شعبه فدائیان با هم آخرین وحدت کردند و یک حزب جدید به نام حزب چپ ایران ایجاد کردند. پسوند (فدائیان خلق ایران) بعد از بحثهای زیادی به آن اضافه شد. جریان چیست؟ مشکل فقط کلمه «اکثریت» بود؟

آسنگران: به نظر من مارک «فدایی»، بخصوص فدایی

اکثریت با شعار «سپاه را به سلاح سنگین مجهز کنید» با دفاع از جبهه اصلاحات تداعی میشود. در مملکتی که مردم شعار دیگه تمومه ماجرا را دادند، مملکتی که در دیماه عزم مردم را برای انداختن نظام دیدیم، این يك ایماج ورشکسته و يك مارک به تاریخ پیوسته است. اینها آمده بودند که این اسم را کنار بگذارند و بلکه فاصله بگیرند. زورشان نرسید. خلیها وعده دادند که در کنگره بعدی حتمن این کار را میکنند. اصلاحات شکست خورده است. به نظر من تمام ماجرا است. اینها نه از جانب جامعه و نه از جانب حکومت که بعد از سال ۵۸ همیشه در کنارش و یا در حاشیه او بوده اند جلی گرفته نخواهند شد. زیرا نه حرفی برای گفتن و نه افتخاری برای احیا کردن دارند. نه رو به گذشته و نه رو به آینده قدمی نمیتوانند

صفحه ۴

اعتراضات کارگری، مسئله دستمزدها و اول مه میزگرد ایسکرا با نسان نودینیان و محمد آسنگران

کارگر به سرمایه خود اضافه کنند. اما این جدال برای طبقه کارگر جدالی برای امرار معاش و بهتر زیستن است. یکی برای افزایش سرمایه خود میخواهد نیروی کار بیشتر از کرده کارگر بکشد و دیگری در قبال فروش نیروی کارش میخواهد سهم بیشتری از دسترنج خودش را باز پس بگیرد. بنابر این کشمکش طبقاتی این دو طبقه متخاصم با همدیگر بر سر تصاحب ماحصل فروش نیروی کار کارگر است. زیرا کارگر تنها کالایی که در تصاحب دارد نیروی کارش است و میخواهد از طریق بهتر فروختن آن زندگی بهتری داشته باشد و سرمایه دار و دولتش هم میخواهند این کالا را به قیمت ارزانتری بخرند و سود اندوزی کنند. در این جدال طبقاتی و تعطیل ناپذیر شاخص

ایسکرا: با محمد آسنگران شروع میکنیم. مسئله دستمزدها در جدال همیشگی کارگران با شبکه مافیایی بنام دولت و حکومت اسلامی موفقیتش با چه شاخصی اندازه گیری میشود که مدام کارگران و مزدبگیران برای حتی همان دستمزدهای زیر خط فقر هر روز دست به اعتراض و اعتصاب میزنند؟

محمد آسنگران: همچنانکه شما هم اشاره کردید جدال طبقه کارگر با دولت و کارفرمایان جدالی دائمی است. این جدال از ماهیت و ذات دو طبقه متخاصم نشات میگیرد. زیرا سرمایه داران برای کسب سود و ارزش اضافه مرتب در تلاش هستند و میخواهند از قبل بکار گرفتن نیروی کار ارزان طبقه

کشتار و حشیانه مردم غزه توسط دولت اسرائیل را محکوم میکنیم!

اعتراضات کارگری ادامه دارد

حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۳

اطلاعیه خبری؛

اعتصاب عمومی مردم شهرهای جوانرود، میوان، و سقز

صفحه ۴

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

تفرقه افکنی رژیم اسلامی و ناسیونالیستها در خوزستان محکوم است!

صفحه ۵

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۵

عزیزه لطف الهی

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

صفحه ۶

نسان نودینیان

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اعتراضات کارگری، مسئله دستمزدها و ...

از صفحه ۱



برابر زیر خط فقر تعیین کنند و قانونیت ببخشند، ناشی از این حقیقت تلخ است که جنبش کارگری هنوز نتوانسته است مطالبه بر حق خود را که پنج میلیون تومان اعلام کرده است به حاکمان بقبولاند. نه تنها این بلکه همان دستمزدهای زیر خط فقر هم سر موقع پرداخت نمیشود و باید مرتب دست به اعتصاب و اعتراض دست بزنند.

این شرایط مورد بحث و نتیجه این جدال بر سر دستمزد در ایران يك حقیقت دیگر را هم به وضوح نشان میدهد و آن اینکه که تنها مبارزه و اعتراض کافی نیست بلکه باید به فکر قدرتمند تر شدن و قویتر شدن باشیم تا بتوانیم به معیشت زیر خط فقر پایان بدهیم. اگر این حقیقت را بپذیریم ناچاریم به راهها و اشکال قویتر شدن فکر کنیم و راه حلی برایش پیدا کنیم. اینجا است که به اهمیت تشکل و اتحاد بیش از پیش پی خواهیم برد. مثلا اگر طبقه کارگر بتواند متحدانه دست به اعتصاب سراسری بزند و اعلام کند تا قانونی شدن پنج میلیون حداقل دستمزد کار تعطیل است، سرمایه داران و دولت ناچار خواهند شد عقب بنشینند و قانون را تغییر بدهند. اگر هم نخواهند این کار را بکنند با ابزار قدرتمند اعتصاب سراسری میتوان کل حکومت را بزیر کشید و حکومتی را بنیان نهاد که همین اکثریت استثمار شده اداره جامعه را دست بگیرد. این روندی است باید برای عملی شدن آن تلاش کرد در غیر اینصورت باید همچنان شاهد برده داری مدرن باشیم.

ایسکرا: نسان نودینیان، با توجه به شرایط و موقعیتی که کارگران و کل حقوق بگیران برای افزایش دستمزدها با آن مواجه هستند، آیا دستمزد نزدیک به يك میلیون و ۱۴ هزار تومان که آنهم ماهها پرداخت نمیشود باید چقدر باشد که پاسخگوی نیاز خانواده کارگری باشد؟

نسان نودینیان: اجازه بدهید اینرا بگویم که تعیین دستمزد ۹۷ هنوز بفرجام نرسیده است. طبق گزارش سایت مهر مذاکرت تعیین دستمزد ۹۷ که طبق سنوات گذشته باید تا پایان اسفندماه تعیین تکلیف می‌شد، نیمه تمام باقی ماند و بخشی از مذاکرات مزدی به امسال (سال ۹۷) موکول شد. در همین رابطه اعلام کرده اند: دستمزد ۷۰ درصد از کارگران بلا تکلیف مانده است.

بالاخره شورای عالی کار این میزان دستمزد را که توسط ربیعی وزیر کار اعلام شده را مینا قرار خواد داد، بنابراین دستمزد ۹۷ برای کارگران «حداقلی بگیر» نهایی است و دستمزد پایه این گروه از کارگران با افزایش ۲۰ درصدی از ۹۲۹ هزار و ۹۳۱ تومان سال ۹۶ به حدود يك میلیون و ۱۱۴ هزار تومان رسیده است. و اینجا به این نکته نیز باید اشاره کرد که دستمزد حداقل برای کارگران یکسان نیست. بر اساس اطلاعات و آمارهای موجود، دستمزد دریافتی حدود ۸۲ درصد کارگران در حال حاضر زیر يك میلیون و ۴۰۰ هزار تومان است. هر اندازه به آمار و اطلاعات موجود دسترسی پیدا کنیم، عمق فاجعه و معیشت‌آبرابری زیر خط فقر کارگران در سطوح مختلف عیان تر میشود. در شهرهای کردستان فاجعه پایین بودن دستمزدها حتی تا سطح ۳۰۰ هزار تومان در ماه، عمیق تر و ضد انسانی تر است. در شهرهای کردستان بدلیل بیکاری گسترده و وسیع دستمزدها با قرار دادهای سفید امضا شرایط استثمار و بردگی مزدی را شدیدتر از مناطق دیگر کرده است. در شهرهای

فقر و همه گیر بودنش، کاسته میشود. دستمزد مصوب سال ۹۷ شورای عالی کار و دولت ۱۲ به میزان بیشتر از يك میلیون نگه داشتن طبقه کارگر و مزدبگیران جامعه در فقر کنونی است. این نوع تعیین مزدها تنها و تنها از نظام های استبدادی و دیکتاتوری تجربه میشود، که با استثمار وحشی، فساد و جنایت حاکمیت ضد انسانی را اعمال میکنند.

ایسکرا: روز جهانی کارگر را پیش رو داریم. با توجه به اینکه مبارزات، اعتراضات و اعتصابات کارگری به پدیده تقریبا هر روزه ای تبدیل شده است، از هم اکنون بنظر شما در روز جهانی کارگر کدام مطالبات میتوانند سرلوحه اعتراضات و تجمعات کارگری در این روز باشد؟

محمد آسگران: روز جهانی کارگر هر ساله به عنوان روز جشن کارگران و روز مارش این طبقه ما شاهد ابراز وجود جنبشی اعتراضی هستیم که مزدبگیران جامعه میخواهند زندگی شهروندان را از مشکلات و محدودیتهای کنون نجات بدهند. میخواهند جامعه را از چنگ مشتت زورگو و استثمارگر و سرکوبگر رها کنند و بنیان جامعه ای انسانی و برابر را پایه ریزی کنند. اما این جدال حدود سه دهه است که ادامه دارد و هنوز به نتیجه نهایی نرسیده است. اما ناگفته نماند اگر این جدال طبقاتی به نتیجه نهایی نرسیده است در عوض بسیاری از دستاوردهای کنونی نتیجه و حاصل آن بوده است. بورژوازی با خواست خودش به بیمه بیکاری و بیمه درمانی و تحصیل رایگان و حقوق شهروندی و دهها مسئله دیگر که در بسیاری از کشورها به قانون تبدیل شده است تن نداده است. همه اینها حاصل يك دوره مبارزه و جدال طبقاتی بوده است. همه این دستاوردها از حق رای شهروندان گرفته تا حق رای زنان و قوانین برابری زن و مرد از قانونی کردن آزادی بیان گرفته تا حقوق کودک از حق اعتراض و اعتصاب گرفته تا حق حیات از حق تحصیل رایگان گرفته تا حق زندگی با استاندارد امروزی از ممنوعیت سرکوب و شکنجه گرفته تا لغو مجازات اعدام

کردستان ده ها هزار از جوانان دختر و پسر تحصیل کرده فاقد موقعیت شغلی همین الان حضور دارند. تعدادی از آنها به کار در مرزها و کولبری مشغولند که ما از نزدیک شاهد شرایط دردناک کار کولبران هستیم. نیروی زیاد از زنان و مردان فاقد موقعیت شغلی مجبورند با قراردادهای سفید امضا در مراکز مختلف کار کنند. زندگی و معیشت این دسته از کارگران چند برابر زیر خط فقر است.

يك میلیون و چهارده هزار تومان به اضافه سنوات و حق مسکن تا حدود يك میلیون و ۳۰۰ هزار تومان سهل است، که حتی بالاتر از چهار و نیم میلیون تومان هم هنوز زندگی خانوار بیشتر از سه نفر را تامین نمیکند. امروز ما شرایط اقتصادی جامعه را می بینیم، فقر، بیکاری و گرانی عمومی و همه گیر است. این اندازه از دستمزد ایدا پاسخگو نیست! در مملکتی مثل ایران که درآمد کافی برای تامین زندگی وجود نداشته باشد، قربانیان این شرایط فاجعه بار قبل از هر چیز استثمار شدید نیروی کار است، و بتربیب کودکان، سالمندان و زنان هستند که در معرض شرایط بسیار نامناسب قرار میگیرند. به همین دلیل ما هر سال شاهد محرومیت هزاران کودک از تحصیل هستیم. کارتن خوابی، فحشا و اعتیاد هم از مصائب درد ناک این شرایط ویرانگر هستند.

تنها چاره و راه حل خلاصی از شرایط کنونی و خلاصی از حاکمیت ظالمانه ترین رژیم اسلامی سرمایه، مبارزه و مبارزه و اعتراض است. که خوشبختانه در سه تا چهار سال گذشته این اعتراضات در ابعاد سراسر در مراکز تولیدی و کار در مقابل مجلس اسلامی و در اشکال اعتصاب و راه پیمایی و اعتراضات ادامه دار، در جریان است. در دی ماه ۹۶ ما شاهد بزرگترین اعتراضات سراسری در بیش از نود شهر بودیم، اعتراض صدها هزار نفر از مردم ناراضی با گرانی، بیکار، فقر و فساد حاکمان.

به هر درجه کارگران بتوانند دستمزدهای بالاتر از خط فقر را و تا ۵ میلیون تومان را به دولت و کارفرماها تحمیل کنند، از دامنه

از جدایی دین از دولت گرفته تا دفاع از محیت زیست سالم و دهها مطالبه و خواست دیگر که امروز به بخشی از فرهنگ پذیرفته شده جامعه تبدیل شده است و در بسیاری موارد به قانون هم تبدیل شده است همگی ناشی و حاصل این جدال طبقاتی مورد بحث بوده است. اما نباید از یاد برد حتی آنجا که این دستاوردها به قانون تبدیل شده اند هر آن سرمایه داران و دولت شان بتوانند آنها را باز پس میگیرند و جامعه را به قهقرا میبرند. بنابر این فقط جدال دائمی طبقه کارگر و همه مزدبگیران با حاکمان بوده است که وجود و گسترش این خواسته های بر حق جامعه را میتواند تضمین کند. طبیعی است که در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی بسیاری از این مطالبات نه قانونی و نه حتی برسمیت شناخته شده اند. ما راهی نداریم بجز اینکه برای قانونی کردن این مطالبات و برای لغو ریشه همه آنها یعنی وجود استثمار به جدالمان ادامه بدهیم.

ایسکرا: آیا واقعا دولت و سرمایه داران که خون کارگران و کل جامعه را در شیشه کرده اند قادر خواهند بود دستمزد پنج میلیون را برای کارگران بپذیرند، اگر پاسخ منفی است کارگران چه راهکاری باید پیش روی حرکت های اعتراضی خود بگذارند؟

نسان نودینیان: یکی از گرهی ترین سوال در شرایط کنونی به نظر من این مساله مهم است که شما طرح کرده اید. قدرت کارگران در حال اشکال مبارزه ای است که در حال انجام است. اعتصاب جایگاه ویژه ای در بکری نشاندن خواسته های کارگران دارد. تجارب کنونی هم این ادعا را ثابت کرده است که کارگران وقتی دست به اعتصاب میزنند، دولت و کارفرما در موقعیت دفاعی قرار میگیرند و جرئت نمیکند که کارگران اعتصابی را با وعده و وعید های دروغین از مبارزه و اعتصاب بیرون بیاورند. مبارزه کارگران علیه دستمزدهای ۴ برابری زیر خط فقر (یا دستمزد های تا ۵ میلیون تومان) تا کنون وجود داشته است. سال ۹۶ سال پرحجمترین اعتراضات کارگران و معلمان بود.

اعتراضات کارگری، مسئله دستمزدها و ...

در این سال صدها اعتراض کارگری را ما شاهد بوده ایم، یکی از خواسته‌های محوری این اعتراضات افزایش دستمزدها و نارضایتی از دستمزدهای کنونی و در واقع علیه فقر بوده است. زمینه‌های اعتراض جمعی تر و متشککتر هم اکنون بشکل فعال در میان طیف‌های زیادی از کارگران در جریان است. ما شاهد بیانیه ۷ تشکیل کارگری مستقل از دولت بوده ایم که خواهان دستمزدهای بالای خط فقر و تا پنج میلیون هستند. ما شاهد یکی از مهمترین تحریک کارگران در انجمنهای صنفی هستیم، هفتاد انجمن و کانون صنفی اعلام کرده اند که دستمزدهای کمتر از چهار میلیون را نمی‌پذیرند. این دو نمونه تجارب مهم اعتراضات کارگری هستند. با بسط و گسترش این نوع اقدامات کارگران میتوانند برای دستمزدهای پنج میلیون تومان وارد کارزار عملی و هدفمندی شوند. ما در اعتراضات کارگری شاهد تجارب ارزشمندی هستیم که منشا تحولات مهمی بوده‌اند. در سال ۹۵ بیانیه مشترک عبدی عظیم زاده بمناسبت روز جهانی کارگر و علیه امنیتی کردن فعالیت فعالین کارگری

موجبات تحریک قابل توجهی از کارگران و فعالین کارگری ایجاد کرد، چندطومار و بیانیه‌های مشترک توسط کارگران در بخشهای وسیع کارگری در حمایت از بیانیه عبدی - عظیم زاده منتشر شد. این بیانیه افکار عمومی داخل کشور و خارج از کشور را متوجه یکی از مهمترین مشکل امنیتی فعالین کارگری و اجتماعی کرد، این بیانیه از طرف سندیکا و اتحادیه‌های کارگری دنیا مورد حمایت قرار گرفت، و نمونه زنده تر ما در چند ماه گذشته شاهد نامه‌های حمایتی از افزایش دستمزدهای بالاتر از چهار میلیون از طرف تعدادی از سندیکاها و اتحادیه‌های کاترگری و معلمان بوده ایم. در یک کلام به هر درجه طبقه کارگر و فعالین کارگری برای خواست دستمزدهای بالاتر از چهار میلیون دست به اقدامات جمعی و متشکل بزنند، بیانیه جمعی را در این زمینه منتشر کنند مورد استقبال قرار خواهد گرفت. روز جهانی کارگر امسال فرصت مناسبی است برای رسیدن به حقوقهای بالاتر از چهار میلیون تومان.

اعتراضات کارگری ادامه دارد

اعتراضات کارگران، معلمین و بازنشستگان بدون وقفه ادامه دارد. با پایان تعطیلات ایام نوروز فراخوان‌های تجمعات اعتراضی نیز شروع شده است.

معلمان حق التدریس و بازنشسته

- معلمان حق التدریس شاغل و بازنشسته طی بیانیه‌ای در اعتراض به تعویق پرداخت ۶ ماه حقوق خود اعلام اعتصاب کرده‌اند. معلمان حق التدریس در بیانیه‌ای که به این مناسبت منتشر کرده‌اند گفته‌اند که از ۱۴ فروردین و تا زمانیکه به خواست آنها رسیدگی نشود از شرکت در کلاس‌های درس خودداری خواهند کرد.

حزب کمونیست کارگری، از مبارزات معلمان و کارگران قاطعانه حمایت میکند. حزب کلیه معلمان شاغل و بازنشسته را فرامیخواند که

از تجمع اعتراضی و خواست معلمان حق التدریس حمایت کنند، در تجمع آنها شرکت کنند و به هر شکل ممکن مبارزه آنها را تقویت کنند.

- بازنشستگان صنایع فولاد فراخوان داده‌اند که در اعتراض به وضعیت نامناسب درمان، روز ۱۹ فروردین دست به تجمع در مقابل ساختمان درمانگاه فولاد در تهران خواهند زد. بازنشستگان فولاد در شهرهای دیگر نیز قرار است همزمان با تجمع تهران در مقابل استانداری‌ها تجمع کنند. بازنشستگان فولاد خواهان بیمه کارآمد برای درمان شده‌اند. بیمه کارگران و عموم مردم است. از این خواست و مبارزه بحق بازنشستگان صنایع فولاد باید با تمام قوا حمایت

کشتار وحشیانه مردم غزه توسط دولت اسرائیل را محکوم میکنیم!

شدن دولت مستقل فلسطینی گام اول در استقرار صلحی پایدار در این منطقه بحران زده است. تشکیل دولت مستقل فلسطینی در عین حال ضربه‌ای به ارتجاع اسلام سیاسی و حکومت اسلامی در ایران است. جمهوری ناسیونالیستی اپوزیسیون دست راستی در ایران مدافع هیچ ذره‌ای از حقوق حقه مردم فلسطین نیست، برعکس، تماما دارد از قبل فضای جنگ و نفرت قومی و مذهبی و ملی ارتزاق میکند و تلاش میکند که این جنگ و کشتار و جنایت و تروریسم تداوم یابد. تروریسم اسلامی و ارتجاعی اسلامی مکمل فاشیسم ضد فلسطینی است.

حزب کمونیست کارگری تمامی مردم آزادیخواه و برابری طلب و صلح دوست را به اعتراض به این کشتار وحشیانه فرا میخواند. فلسطین راه حل نظامی ندارد. اعمال فشار همه جانبه بشریت آزادیخواه بر دولت اسرائیل و آمریکا و وادار کردن این جریان‌ها در برسمیت شناختن دولت مستقل فلسطینی تنها راه حل است!

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ فروردین ۱۳۹۷
۳ آوریل ۲۰۱۸

تهدید کردند که در صورت گسترش اعتراضات، ارتش اسرائیل حمله به غزه را از "نواحی مزی به سایر نقاط غزه گسترش خواهد داد". بهانه آنها هم نزدیک شدن تظاهر کنندگان به مرزهای اسرائیل است!

این تعرض گسترده به اعتراض مردم فلسطین در "روز زمین" در متن تعرض همه جانبه ائتلاف فاشیستی ترامپ - نتانیاهو به مردم فلسطین صورت میگیرد. ائتلافی که با پرچم عقب‌راندن و به شکست کشاندن هرگونه توقع و انتظار تشکیل دولت مستقل و برابر فلسطینی در کنار دولت اسرائیل، به میدان آمده است. تصمیم دولت ترامپ مبنی بر انتقال سفارت آمریکا به اورشلیم آغاز این تعرض آشکار به وعده‌ها و توافقات تا کنونی بود.

حزب کمونیست کارگری ایران این کشتار وحشیانه و تعرض به اعتراض مردم غزه را شدیداً محکوم میکند. قلب ما با مردم زخم خورده و بازماندگان این کشتار خونین است. ما سیاستهای تماما ارتجاعی ائتلاف ترامپ - نتانیاهو را قویاً محکوم میکنیم. ما بار دیگر اعلام میکنیم که تنها راه حل مساله فلسطین برسمیت شناخته شدن حقوق این مردم ستمدیده و تشکیل دولت مستقل و مستوای الحقوق فلسطینی است. برسمیت شناخته

۳۰ ام مارس در فلسطین "روز زمین" نامگذاری شده است. هر ساله در این روز تظاهرات و اعتراضاتی در اعتراض به مصادره سرزمینهای فلسطینی، اخراج و پاکسازی فلسطینیان از این سرزمینها و همچنین سیاست سرکوبگرانه و نژادپرستانه دولت اسرائیل، صورت میگیرد. امسال بنا به تصمیم دولت نتوفاشیستی ترامپ مبنی بر انتقال سفارت آمریکا به اورشلیم، مناطق مرزی غزه شاهد تدارک تجمعات و اعتراضات گسترده تری بود که این روز را به روز انتقال سفارت آمریکا در ۱۵ ماه مه متصل میکنند.

این تجمع اعتراضی دهها هزار نفره اخیر که در حاشیه حصارهای مرزی در غزه برپا شده بود، با واکنش وحشیانه ارتش و دولت اسرائیل مواجه شد. بیش از یکصد تن از زنده ترین تک تیر اندازان ارتش اسرائیل در کمین مردم معترض نشستند. بیش از ۱۴۰۰ تن مورد اصابت گلوله‌های این نیروی آدمکش قرار گرفتند. بیش از ۱۷ تن از مردم فلسطین جان خود را در این تهاجم وحشیانه از دست دادند. و این روز به خونبارترین روز پس از جنگ اسرائیل و حزب الله در سال ۲۰۱۴ تبدیل شد. نتانیاهو با گستاخی تمام از ارتش اسرائیل در خلق این جنایت "قدره‌انی" کرد. و

همکاران بازداشتی آنان به روشن کردن کوره بخار، موفق شد کارگران را وادار به راه اندازی کوره کند. اما کارگران شیفت بعد از ظهر از حضور در محل کار خودداری کردند و اعتصاب در این مجتمع که از روز ۷ فروردین شروع شده است، همچنان ادامه دارد.

حزب کمونیست کارگری احضار و دستگیری کارگران نیشکر را بشدت محکوم میکند و کارگران و خانواده‌هایشان را فرامیخواند با تمام قوا برای مقابله با کارفرما و ارگان‌های دولتی همکار کارفرما متحد و یکپارچه به میدان بیایند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ فروردین ۱۳۹۷
۳ آوریل ۲۰۱۸

معاونت نیروی انتظامی شهر شوش به همراه تعداد دیگری از مامورین انتظامی با ورود به قسمت کوره بخار کارخانه، اعلام کرد بنا بر دستور شورای تامین شهر و دادستانی شوش ماموریت دارد به هر نحوی شده کوره بخار را روشن کنند. وی در اجرای این دستور به کارگران قسمت کوره بخار کارخانه اعلام کرد ماموریت دارم هر کسی را که از دستور روشن کردن کوره سرپیچی کند همینجا دستبند زده و بازداشت کنم. بنا بر گزارشی که اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر کرده است، علیرغم مقاومتی که کارگران در روشن کردن کوره بخار از خود نشان دادند اما معاونت انتظامی شهرستان شوش با تهدید به بازداشت کارگران و موقوف کردن آزادی

کرد. کارگران نیشکر هفت تپه - روز ۱۲ فروردین در ادامه احضار ۲۰ نفر از کارگران نیشکر و بازداشت ۶ نفر از آنها، اسماعیل بخشی یکی از نماینده‌های کارگران این مجتمع نیز توسط پلیس امنیت احضار شد. اسماعیل بخشی روز ۱۲ فروردین در محل این نهاد امنیتی مورد بازجویی قرار گرفت و بنا به دستور دادستانی شوش تا اطلاع ثانوی به شرکت ممنوع‌الورود شد و احضاریه‌ای کتبی نیز مبنی بر حضور او در دادسرای شهرستان شوش در روز ۱۴ فروردین به او ابلاغ گردید. برای اسماعیل بخشی قبلاً به اتهام تجمعات غیر قانونی و تشویش اذهان عمومی پرونده‌سازی کرده‌اند. روز ۱۲ فروردین همچنین

در باره تشکیل حزب جدید چپ



محمد آسنگران

۳. یکسری گزارشات خواندم که تاکید کرده بودند که این حزب سالمندان سیاسی است، چرا نسل جوان به این جریان متصل نیست؟ با وجودیکه تلاشهای زیادی شده تا جوانان ایران را با چسب به جریان فدایی متصل کنند؟ چرا ترکیب سنی در رهبری احزاب اپوزیسیون مهم است؟

آسنگران: این حزب از کسانی و جریاناتی تشکیل شده است که از تاریخ خاصی و از سنت خاصی می آیند که نه سابقه خوبی دارند و نه حرفی برای گفتن که نسل جوان را به خود جذب کند. راستش را بخواهید مشکل اینها فقط این نیست که نسل جوان را جذب نکرده اند. چون بخشهایی از نسل جوان در داخل و حتی بعضا خارج، مقاطعی در کنار اصلاح طلبان قرار گرفتند زیرا فکر میکردند آنها محملی برای تغییر حکومت هستند. اما جریانات فدایی بویژه سازمان اکثریت و اتحاد فدائیان خودشان دنباله اصلاح طلبان بودند. در حاشیه قرار داشتند نه در متن. نسل جوان حتی آن بخش که به اصلاح طلبان متوهم بود چرا دور اینها جمع بشود وقتیکه میبیند اینها خودشان دنباله رو خاتمی و تاج زاده و سحابی و... بودند و هستند. من شخصا از مصطفی مدنی در همان جلسه سخنرانی مورد اشاره شنیدم که رسما اعلام کرد او حاضر است رهبری کسی مثل تاج زاده را بپذیرد. وقتیکه رهبران یک سازمان چنین سیاستی را دنبال کنند نسل جوان اگر ناچارا مجبور به انتخاب اصلاح طلبان هم بشود میروند دنبال تاج زاده نمیروند دنبال مدنی و فتاپور و خلیق و...

ترکیب سنی که به آن اشاره کرده اید جایی مهم میشود که یک جریان سیاسی خط و سیاستش تداوم یابد. با وجود نسل جوان در مکانیسمهای حزبی امید داشته باشد که ایده های تازه وارد آن جریان بشود. اما وجود نسل جوان به سه عامل بستگی دارد نباید اینرا از نظر دور داشت. یکی حضور علنی و قابل دسترس در جامعه که در شرایط فعلی ایران ممکن نیست. دوم تحولات اجتماعی و سیاسی جدی که هر تحولی از این نوع، نسل دوران

خودش را به تحرك و ادار میکند. و سوم اینکه ایده ها و راه حلها و سیاستهای تازه و منطبق بر نیاز جامعه مورد نظر داشته باشید و یک قدم از توان و تفکر الیت دوران خودت جلوتر باشید یا لافل این تصور بوجود آمده باشد. بدون این سه عامل هیچ جریانی نمیتواند نسل جوان را به خود جذب کند. در مورد حزب چپ مورد بحث معلوم است هیچکدام از این فاکتورها عمل نمیکند.

۴. فدائینها چه در زمان شاه که حضرت علی را سوسیالیست نامیدند چه بعدن که خمینی را رهبر جنبش ضد امپریالیستی دانستند، کلمه سوسیالیسم را از سر درشان حذف نکردند. درکنگره اخیر کلمه اش را هم برداشتند. آیا این فروپاشی دیوار برلین درمیان ته مانده جریانات توده ای و پرو روس ایران بود؟ دلیل سیاسی اش چیست؟

آسنگران: تا جایی که من خبر دارم سازمان اکثریت چند دهه است که خود را سوسیالیست نمیداند. آنها در بهترین حالت خود را اصلاح طلب، سوسیال دمکرات و یا چپ دمکرات دانسته اند. اما اصلاح طلب بودنشان يك اسم دلچسب برای خودشان و يك حقیقت بود. چون اینها به انحصار طلبی جناح خامنه ای نقد داشتند نه به ماهیت این رژیم و جنایاتی که مرتکب شده بود. همه این صفات را بجز سوسیالیسم برای خود مجاز شمرده اند. اما اتحاد فدائیان کمی رادیکال تر از اکثریت بود. ولی با عروج خاتمی به قدرت، اتحاد فدائیان هم قدم به قدم به اکثریت نزدیک شد. بویژه جناحی که اکنون به اکثریت پیوسته است تفاوت چندانی با اکثریت نداشت. این دو گرایش درون خانواده فدائیان خلق که اکنون حزب چپ را درست کرده اند حتی دوره ای که از سوسیالیسم حرف میزدند منظورشان از سوسیالیسم همان استالینیسم بود. اینکه گلسرخی جایی در جریان محاکمات دوران شاه گفته است من سوسیالیسم را از مولایم علی یاد گرفتم و... بنظرم نباید با این جریانات اخیر مقایسه بشود. گلسرخی يك آدم شجاع ضد دیکتاتور و چپ آن دوره بود که جانش را داد اما در مقابل شاه کوتاه نیامد. سوسیالیسمی که او از

حرف زد نتیجه درك سازمان فدائیان آن دوره از سوسیالیسم بود. اما اینها که ما امروز میبینیم تحت فشار محاکمه و در زیر شکنجه و دار اعدام به این نتیجه نرسیده اند. بلکه آگاهانه تابلوی سوسیالیسم را پایین کشیدند و تابلو دفاع از خمینی ضد امریالیست را بالا بردند. بعدا هم این گرایش تا به امروز به اشکال دیگری همچنان این سیاست را ادامه داده است. میخوامم بگویم نزدیکی اینها به خمینی و خاتمی و... نتیجه کج فهمی اینها نسبت به سوسیالیسم نبود. اینها جناحهای مختلف راست و چپ يك جنبش به اسم جنبش ملی اسلامی بودند. سازمان فدائیان خلق نه رویزیونیست شدند و نه انحرافی پیدا کردند اتفاقا اینها تا به امروز و در همین حزب چپ هم دارند وفاداریشان به آرمانهای آن جنبش همچنان نشان میدهند. تنها تفاوتی که در این سازمانها رخ میدهد و داده است این است در مقاطعی از فرط ضد آمریکایی گری خود را تابع و یا نزدیک سیاست جریانات اسلامی دانسته اند، مانند نزدیکیشان به سازمان مجاهدین خلق و بعدا خمینی و... در مقاطعی ناسیونالیسم و ملیگرایی آنها برجسته میشود و در نتیجه به نیروهای ناسیونالیست نزدیکی

بیشتری پیدا میکنند. ۵. این کنگره به وضوح و عمدت گفتم که سرگونی طلب نیست ولی خواهان «عبور» از نظام است؟ چراغ سبز به کیست؟

آسنگران: همچنانکه گفتم اینها هنوز امیدشان به اصلاح طلبان داخل و حاشیه حکومت است. همین فردا اگر خاتمی یا حجاریان و تاجزاده و... در رژیم اسلامی جایگاهی پیدا کنند اینها بدون فوت وقت درکنارشان خواهند بود. حجاریان هم گفته است "کمی سکولاریست، کمی جمهوریست، کمی ایرانیت" مناسب حال حکومت دلخواهش در ایران است. حزب چپ تازه تاسیس هم همین را دارد به زبان دیگری تکرار میکند. بنابر این حزب چپ امیدش را به جنازه اصلاح طلبان از دست نداده است و هنوز امیدوار است که روزی زنده بشود و آخوند لبخند بر لبی دمکراسی برقرار کند و حزب چپ هم در زیر عبایش آرام بگیرد. بنابر این عبور از جمهوری اسلامی کلمه رمزی است اگر چه امروز راه نزدیکی به اصلاح طلبان را نشان میدهد، اما فردا میتواند راه نزدیکی به ناسیونالیستهای پرو غرب باشد.

اطلاعیه خبری؛

اعتصاب عمومی مردم شهرهای جوانرود، مریوان، و سقز

اراده جمعی و نشانه نارضایتی عمیقی مردم کردستان است از حکومت اسلامی سرمایه. در یکسال گذشته در شهرهای بانه، پیرانشهر، سردشت و مریوان علیه بستن مرزها مردم دست به اعتراض خیابانی و اعتصاب عمومی زده اند.

۱۴ فروردین ۱۳۹۷

۳ آوریل ۲۰۱۸

سه شنبه ۱۴ فروردین، بنا به فراخوان کمیته اعتصاب در اعتراض به بستن مرزها، گمرک کردن کالاهای وارداتی به بازارچه های مرزی توسط کاسبکاران و کولبران مردم شهرهای جوانرود، مریوان، بانه و سقز دست به اعتصاب عمومی زدند.

اعتصاب عمومی شهرهای کردستان تاکید مجددی است بر





اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان عزیزه لطف الهی

نامه لیلا میر غفاری

برای ماموران مزدور سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات اطلاعات فاسد جنایت کار قوه قضاییه می نویسم من لیلامیرغفاری زنی که سخت ترین آسیب هارا از حکومت انتصابات فامیلی و آخوندی جمهوری اسلامی دیده ام با تمام توان در برابر ظلم شما ایستاده ام، چرا که ظلم های شما سالهاست به من ثابت شده است.

اطلاعات سپاه و وزارت اطلاعات و تمامی سیستم امنیتی! خیلی خوشحالم که میبینم مستاصل شده اید در برابر شجاعت و مقاومت مبارزین شجاعی چون آرش صادقی، سهیل عربی، فرهاد سلمانپور، هنگامه شهیدی، گلرخ ایرایی، آتنا دایمی، شیدیدا با کمبود نیروی انسانی مواجه هستید، مردم همه شما را شناخته اند و خشمی عمیق نسبت به شما دارند، در جامعه جهانی منفورید و همه شمارا تروریت معرفی میکنند و مردم شمارا داعشی و مزدور میشناسند.

در مقابل همه شما، سردار بی غیرت سپاه پاسداران قاسم سلیمانی و دادستان جنایتکار دادگاه روحانیت ابراهیم رسی من زنانه ایستاده ام و مطالبات به حق خود را بدون ترس از زندان قریح اکید هر نوع تیمارستان روانی روزیه یا انتقال به شکنجه گاه و بازداشت گاه وزرا تا شکستن پایم یا احضارها و مزاحمت های مکرر برای نزدیکانم و خودم که همه را تجربه کرده ام

برای همه آنها آماده ام و ترسی ندارم و با مقاومت و قبول هزینه های این راه که نتیجه آن آزادی ایران است ثابت خواهم کرد شما حکومتی مقتدر نیستید و این اراده ماست در مبارز با شما جنایتکاران اختلاس گر و متجاوز که پیروز خواهد شد و هزاران درود میفرستم به بانوی شجاع هنگامه شهیدی که در برابر اطلاعات قوه قضاییه ایستاده هنگامه جان تو تنها نیستی!

در دفاع از حرمت انسانی تن فروشان

قضات دادگاه قانون اساسی در کره جنوبی پس از رسیدگی به دادخواست زنی که ممنوعیت روسپیگری را مغایر حقوق اساسی افراد دانسته بود، با اکثریت آرا اعلام کردند که از آنجا که روسپیگری "مغایر حرمت بشری" است، نمی تواند به عنوان حرفه ای مجاز، تحت حمایت قانون قرار گیرد.

آنچه مغایر حرمت بشری است نظام و سیستمی است که انسان را وامیدارد برای گذران زندگی جسم خود را بفروشد تا پول بدست بیاورد. پول داشته باشد تا کرایه خانه بدهد و پوشاک و غذا تهیه کند. رفتار کسی که تن می فروشد تا از کودکان خود نگهداری کند یا برخورداری از بخشی از مواهب زندگی فعلی که برای سرمایه داران مفت و مجانی مهیا است، نمی تواند مغایر حرمت بشری باشد.

راه حل مبارزه با فحشاء:

مبارزه فعال با فحشاء از طریق از میان بردن زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن و مقابله قاطع با شبکه ای سازماندهی فحشاء، دلالان، واسطگان و باج خورها.

ممنوعیت اکید هر نوع سازماندهی فحشاء، دلایلی، واسطگی و بهره کشی از افرادی که مبادرت به تن فروشی میکنند.

غیر جنایی کردن زندگی و کار افرادی که دست به تن فروشی میزنند. کمک به بازبانی حرمت اجتماعی و احترام به نفس آنها و کوتاه کردن دست شبکه ها و باندهای جنایتکار از زندگی آنها از طریق ترفع ممنوعیت فروش سکس بعنوان یک شغل فردی و حمایت قانون و نهادهای انتظامی از این افراد در مقابل شبکه ها و باندهای گانگستری، باج خورها و اوباش.

صدور جواز کسب برای افرادی که بعنوان یک شغل فردی مبادرت به تن فروشی میکنند، مصون داشتن

شخصیت و حیثیت آنها بعنوان شهروندان محترم جامعه و کمک به سازمانیابی آنها در سازمان صنفی خویش.

ارائه رایگان خدمات پزشکی ویژه پیشگیرانه و درمانی برای مصون داشتن این افراد از بیماری ها و صدمات ناشی از مبادرت به این حرفه.

کار آگاهگرانه، ترغیب و مساعدت های عملی نهادهای مسئول دولتی به افراد تن فروش در کناره گیری از این حرفه، کسب مهارت و آموزش لازم برای اشتغال در بخش های دیگر جامعه.

به نقل از یک دنیای بهتر - برنامه حزب کمونیست کارگری

دختران خیابان انقلاب

مریم شریعتمداری که در هنگام ابراز اعتراض به حجاب اجباری از سوی یکی از ماموران نیروی انتظامی مورد خشونت، ضرب و جرح قرار گرفت، قصد دارد این موضوع را از مراجع قضایی پیگیری کند. اینجانب وکالت ایشان را در این خصوص بر عهده گرفته ام. بدیهی است، در صورت سکوت در برابر چنین رفتارهای غیرقانونی و خشونتباری نسبت به شهروندان، شاهد تکرار و گسترش آن خواهیم بود. شایان ذکر است، مطابق قانون پلیس حتی در صورت وقوع جرم مشهود، حق اعمال خشونت، ضرب، جرح و بی احترامی به اشخاص و یا اظهارنظر قضایی (مبنی بر مجرم بودن) را ندارد. فقط باید با رعایت موازین شرعی و قانونی و احترام، متهم را به مقام قضایی صالح تحویل بدهد. محمد مقیمی

مریم شریعتمداری، از دختران خیابان انقلاب، به یک سال حبس تعزیری محکوم شده. این حکم روز پنجم فروردین ابلاغ شد.

ندا دختر بیچه ۷ ساله اهل مشهد

جسد ندا سه شنبه شب گذشته، درون یک کیسه در حاشیه خیابان شهرک شهید رجایی شهر مشهد کشف شده بود. با اعلام مفقود شدن ندا ۷ ساله بررسی ها آغاز و مشخص شد که والدین، دختر خود را برای خرید نان به بیرون از خانه فرستاده بودند اما این کودک دیگر باز نمی گردد.

دهها دختر اهل غفرین از سوی ارتش ترکیه ربوده شده و مورد تجاوز قرار گرفته اند

یکی از مادران در شهر اشغالی غفرین که به دنبال دختر ۱۴ ساله خود می گردد عنوان کرد که ارتش ترکیه دهها دختر را به گروگان گرفته و به آنان تجاوز کرده اند طبق اطلاعات کسب شده

در سال جدید، جنبش سرنگونی طلبانه مردم ایران، در اشکال مختلف ادامه دارد. در متن شرایط و توازن قوای جدید سیاسی، مردم اهواز در پی اقدام تحریک آمیز شبکه دو صدا و سیمای مرکز اهواز، دست به اعتراضات خیابانی زده و به رژیم اعتراض کردند. (در نقشه جغرافیایی این برنامه، از "اقوام" مختلف اسم برده شده ولی مردم عرب زبان از نقشه حذف شده است).

در حالیکه فضای شهرهای خوزستان تحت تاثیر خیزش انقلابی دیماه و در ادامه آن اعتراضات باشکوه کارگران فولاد اهواز و نیشکر هفته تپه و اعتراضات مردم علیه کم آبی کارون و منطقه و علیه آلودگی ناشی از پخش ریزگردها که نفس کشیدن را نیز برای مردم سخت کرده، علنا علیه حکومت اسلامی است؛ رژیم به حرکتی مذبحخانه دست میزند و با پخش برنامه ای حساب شده علیه مردم عرب زبان خوزستان، فضا را برای استفاده سیاسی جریانات ناسیونالیست فراهم میکند. مردم هم که دنبال فرصتی برای اعتراض به رژیم هستند، در شهرهای اهواز و آبادان در صفوف هزاران نفره به خیابان آمدند و علیه تحریکات قومپرستانه رژیم اسلامی اعتراض کردند.

دسته های قوم پرست و ناسیونالیست عرب و ترک که منتظر تحریکات تفرقه افکنانه رژیم هستند، از طرف مقابل تحریک ارتجاعیشان را شروع کرده اند تا در میان مردم معترض به حکومت اسلامی تفرقه بیناندازند. این جریانات بیشرمانه تلاش میکنند ریشه اصلی معضلات و مشکلات و تحقیرها را به "فارسها" و ضللت "فارسها" با "عربها" نسبت دهند. مثل همیشه ارتجاع اسلامی فاشیستی منبع تغذیه ناسیونالیسم قومپرست شده است.

رژیم اسلامی با این تحریک ناسیونالیستها، انگار به هدف شوم و

نظامیان دولت ترکیه روز ۱۸ مارس شهر غفرین را اشغال کرده و تاکنون تعدادی زیادی از دختران و زنان را ربوده اند. زنان و دختران به گروگان گرفته شده را به خانه های در محله ولایت در مرکز شهر منتقل کرده و در این خانها مداوما به آنان تجاوز جنسی کردند.

تفرقه افکنی رژیم اسلامی و ناسیونالیستها در خوزستان محکوم است!

کشیف اش رسیده است. تجربه دامن زدن به تفرقه قومی و ملی از طرف سپاه و اطلاعات در منطقه آذربایجان شناخته شده است. جمهوری اسلامی که هر روزه مورد تعرض مردم است و قدرت سرکوب ندارد برای رهایی از این بن بست، دست به تحریکات و تفرقه افکنی قومی و ملی میان مردم میبرد و همیشه برای رسیدن به هدف کشیفش روی جریانات ناسیونالیست حساب باز میکند.

مردم خوزستان، مردم آذربایجان: ریشه همه معضلات جامعه در ایران، حکومت اسلامی سرمایه داری در ایران است. ریشه همه اختلافات طبقاتی و تبعیضات اجتماعی در سیستم سرمایه داری است که جمهوری اسلامی پاسدار آن است. مردم، کارگران، زنان و جوانان فقط در سایه اتحاد مبارزاتی است که قادر خواهند بود این رژیم منحوس را بزیر کشیده و بر ویرانه های آن جامعه ای آزاد و برابر را سازمان دهند. جامعه ای که در آن همه انسانها، شهروندان متساوی الحقوق هستند و از یک زندگی انسانی برخوردار خواهند شد.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن حمایت از اعتراضات مردم اهواز و آبادان علیه حکومت اسلامی، اعلام میدارد که مردم و کارگران آگاه در خوزستان و آذربایجان، فریب سیاستهای کشیف رژیم را نخواهند خورد و با اتحاد مبارزاتی شان مشت محکمی بر دهان این رژیم و ناسیونالیستها خواهند زد.

زنده باد جنبش متحدانه کارگران و مردم ایران علیه جمهوری اسلامی
زنده باد جنبش سرنگونی طلبانه مردم ایران
سرنگون باد جمهوری اسلامی
کمیته آذربایجان
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ فروردین ۱۳۹۷
۲ آوریل ۲۰۱۸



نسان نودیبیان

نگاه هفته:

مجموعه اخبار و گزارشات
هفته از شهرهای کردستانبه کسانی که دوستان دارم
رامین حسین پناهی

نمی‌دانم از کجا شروع کنم، از کشته شدن اشرف یا از حکم اعدام برادر بزرگمان انور حسین پناهی، شکست شدن هر روزه قامت پدر و اشکهای بی پایان مادرم. از خواهران داغ‌دیده و سایه ترس و نگرانی که هر روز و هر ساعت در تک تک لحظاتی که تنها یا دور هم بودیم، بگویم. دست سرنوشت و تقدیر، من را در مکان و شرایطی قرار داده که روزی برادر بزرگ انور حسین پناهی، آن را تجربه کرد. شاید ادامه حرفهایم از اینجا کمی راحتتر است برای اینکه با افشین، برادری که از من بزرگتر است و با هم در یک زندان هستیم، این نامه را می‌نویسم. افشین به هشت سال و نیم زندان محکوم شده است و در انتظار پایان حکم و بازگشت به خانه است و من هم به اعدام محکوم و ممنوع الملاقات شده‌ام و نمی‌دانم که بعدها چه می‌شود. بیش از هر چیز و هر کس به قلب داغ‌دیده و حسرت‌های مادرم فکر می‌کنم از اینکه چگونه این روزها را تحمل کرده‌ام یا تحمل می‌کنم.

زمانی به این فکر می‌کردم که این همه رنج و این همه ترس از کجا می‌آید و دلیل واقعی ظلمی که به خانواده من روا می‌رود چیست. امروز و همه روزها و لحظاتی تلخی که از همان نوجوانی تجربه کرده‌ام بیش از پیش جواب روشن این سوالات را می‌دهند؛ همیشه دوست داشتیم با کسانی که می‌شناسیم، با همسایه‌ها، با افراد جامعه و مردمی که با آنها در مکانی که زندگی کرده‌ایم صمیمی باشیم و احساس نزدیکی کنیم و در خوشی و ناخوشی در کنار هم باشیم. امروز فکر می‌کنم این درسها را پیش از هر کسی از مادر و پدر یاد گرفتیم. چرا

رامین حسین پناهی
زندانی مرکزی سنندج

گزارشی از ۱۲۰ روز حضور
در کرمانشاه...

باید بیشتر از این‌ها در مورد کمبودها و کارها و فعالیتها مومن نوشتیم اما شرایطی کار و فعالیت در کنار دیگر دغدغه‌ها و گرفتاری‌های روزمره متأسفانه این فرصت و نه تنها به من به هیچ یک از همکاران نمانده است.

ما به محض وقوع زلزله با تعدادی از فعالین حقوق کودک و کارگری از اعضای کمیته پیگیری و جمعیت دفاع از کودکان کار خیابان وارد منطقه آسیب دیده کرمانشاه شدیم روزهای اول به خاطر فضای امنیتی و میلیتاریزه بودن شهر سرپل ذهاب این امکان برای ما فراهم نشد که در سرپل ذهاب مستقر بشیم به همین منظور با کمک نیروهای بومی بزرگان منطقه که قبلاً افتخار

اشنایی با هاشون داشتیم بلاخره بعد از دوروز ماندن در داخل شهر سرپل در روستای کوییک حسن مستقر شدیم از همان اول با کمپ هیوا همکاری خودمان را شروع کردیم فعالیت و با جدیت شروع کردیم اقلام و وسایلی که همراه خود برده بودیم طی چند روز در روستاهای کوییک حسن و حومه میان خانواده‌های نیازمند پخش کردیم با همکاری مردم و شورا و ماموستای روستا‌ها کار نیاز سنجی را شروع کردیم و برحسب نیاز مردم نیازهاشون را برآورد کردیم از هیتزریقی و وسایل گرمایشی گرفته تا لوازم التحریر و اسباب بازی برای کودکان و پوشاک و پیتو پک های خوراکی حتی اقدامات پزشکی آنچه که توانستیم در اختیار مردم گذاشتیم فعالین حقوق کودک ویا همون نیروهای بومی باکمال افتخار در این مدت در کنارمون بودند جاداره از خانم مهتاب محمدی شهره مختاری شاهو حسینی و خانمهای نظری ووو... تشکر کنیم که در کوییک حسن و روستاهای اطراف هم با جدیت در کنار ما بودند.

ما از دهها خانواده که آسیب دیده بودند عزیزان خود را از دست داده بودند دیدن کردم در روستای کوییک حسن به دفعات با اقای

جمشید آزاد و دیگر خانواده های که کودک و خانواده خود را در اثر زلزله از دست داده بودند دیدن کردیم در طرح جمع کردن زباله با مشارکت کودکان محل بارها شرکت کردیم برگزاری برنامه های شاد و متنوع با مشارکت گروههای دیگر که در منطقه حضور داشتند توزیع میوه شب چله و پخش لباس و پارچه کوردی و محلی در بین خانمها و تعدادی تلویزیون حتی پاک سازی محیط زیست هم دغدغه ما در این روزها ی حضورمان در سرپل ذهاب بود چش تولد برگزاری مراسمات منطقه ی و سنتی و دادن کارت هدیه ودهها مورد دیگر که مجالی برای بازگو کردن ان نیست تدارک دادیم و شرکت کردیم.

اما الان که وارد صدویستتین روز حضور در منطقه شده ایم در کنار کمک رسانی و رفع نیازهای مردم منطقه اکنون روی موضوع کودکان بیمار و سالمند و مادران باردار تمرکز کردیم چندین کودک با کمک و همراهی انسانهای شریف کار مداوی انها صورت گرفت ویا کمک هزینه پزشکی انها تهیه شد اما هنوز مردم سرپل ذهاب به حضور ما و کمک های انسان دوستانه ما مردم نیاز دارند هنوز دهها و صدها کودک و سالمند بیمار و آسیب دیده به کمک های من و شما نیاز دارند مردم سرپل ذهاب را تنها نگذاریم ما را حمایت کنید تا بتوانیم با کمک هم تعداد کودکان بیمار بیشتری را درمان کنیم اکنون فصل گرما فرا رسیده نیاز فوری تهیه وسایل سرمایشی کولر و یخچال و غیره است اگر دیر بجنبیم و کاری نکنیم انواع بیماری های عفونی و روده ای حتی سالک کودکان و سالمندان و خانمهارا در چار مشکل خواهد کرد وضعیت بهداشت همچنانکه در تصاویر و کلیپ ها مشاهده میکنید وخیم است .. خانواده های زیادی هنوز کانکس و چادر کافی در اختیار ندارند . خانواده ها در کنار نبود کانکس و حمام و دستشویی و اکنون با این تهدید دولت ربرور شده اند که باید کانکس های خود را تحویل بدهند.

همچنانکه خبر دارید امروز زلزله چند ریشتری بزرگی منطقه سرپل ذهاب را لرزاند و آسیب های فراوانی دوباره به مردم رساندهم و زش تند باد های پی در پی مردم را بشدت دچار نوعی وحشت و استرس کرده است همه این موارد جدای از فقر و محرومیتی است که سالهاست بر این مردم تحمیل شده است.

مردم هیچ انتظاری از حکومت و دولت ندارند مسولان حکومتی و حتی محلی کرمانشاه هم این روزها به دزدی و غارت و چپاول و سرکشیه کردن مردم مشغولند. اما ما باید وظیفه انسانی خود را در قبال این مردم آسیب دیده فراموش نکنیم و در کنارشان باشیم. اگر دولت و حاکمیت مردم کرمانشاه را به حال خود رها کرده است اگر دولت به حای توجه و به نیازها و اسکان مردم بی توجه است مشغول سرکوب کارگران و معلمان و دانشجویان در کشور است اگر حکومت با عوام فریبی و دروغ پردازی همیشگی رسانه ای می‌خواهد با درج خبرهای وارونه مردم را به حال خود و ابگذار و افکار عمومی را فریب بدهد که در کنار مردم آسیب دیده است ما نباید در کمک کردن مردم و افشای رفتارهای غیر انسانی و بی توجهی ادامه دار مسولان حکومتی و محلی کرمانشاه و سرپل ذهاب ساکت باشیم.

بهنام ابراهیم زاده
فعال کارگری و کودک
دوازدهم فروردین ۹۷
سرپل ذهاب

کمک‌های مردمی
زلزله زده گان!

در ادامه کمک رسانی های توده مردم در سطح سراسری و از شهرهای کردستان، جمعی از نویسندگان، هنرمندان، معماران و مهندسان، پزشکان و روزنامه نگاران و فعالان اجتماعی با توجه به فاجعه زلزله در کرمانشاه و بی خانمانی هزاران خانواده بر آن شدند که به کمک مردم محروم نواحی زلزله زده بشتابند.

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!